



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه‌ی تفسیر توره ربای خیم شیمیل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته‌ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه‌ی زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده‌اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Vayishlach: Collective Responsibility

ویشلخ: مسئولیت جمعی

با هر معیاری که نگاه کنیم این رویدادی تکان دهنده بود. یعقوب در بیرون شهر شخم به فرمانروایی حامور، خیمه زده است. دینا دختر یعقوب از خیمه دور می شود و به دیدن شهر می رود. شخم، پسر حامور او را می بیند، می دزدد و به او تجاوز می کند. سپس عاشق او می شود و می خواهد که با او ازدواج کند. او به پدرش التماس می کند: "این دختر را برای من به همسری بگیر" (پیدایش ۴: ۳۴).

یعقوب باخبر می شود و سکوت می کند، اما پسرانش خشمگین می شوند. دینا باید نجات یابد و مردم شهر باید مجازات گردند. حامور و پسرش به دیدار خانواده دینا می آیند و از آنها می خواهند که با این ازدواج موافقت کنند. پسران یعقوب وانمود می کنند که این درخواست را جدی گرفته‌اند. آنها می گویند ما در بین شما ساکن می شویم و ازدواج های مختلط خواهیم کرد، به شرطی که همه افراد مذکر شما ختنه شوند. حامور و شخم این پیشنهاد را به مردم شهر دادند و آنها پذیرفتند.

در روز سوم ختنه شدن اهالی شهر، وقتی که درد ختنه در اوج و مردها ناتوان بودند، برادران دینا، شیمون و لوی، وارد شهر می شوند و تمام افراد مذکر و مجرد را می کشند (پیدایش ۳۴:۲۶).

این انتقامی وحشتناک بود. یعقوب پسرانش را توبیخ می کند:

شما مرا به دردسر انداختید - مرا در چشم کنعانی ها و پریزی ها که ساکنان سرزمین هستند، زشت گردانیدید. شمار ما اندک است و اگر آنها به هم پیوندند و به ما حمله کنند، من و خاندانم را نابود می کنند. (پیدایش ۳۴:۳۰)

اما شیمون و لوی پاسخ دادند:

"آیا او باید با خواهر ما مانند یک روسپی رفتار می کرد؟ (پیدایش ۳۴:۳۱)

در متن سرنخی هست که نشان می دهد شیمون و لوی در کاری که کردند محق بودند. تورات برخلاف معمول، سه بار در مورد وخامت اخلاقی این موقعیت تاکید می کند:

پسران یعقوب با شنیدن اتفاقی که افتاده از صحرا برگشتند. آنها برافروخته و خشمگین بودند، زیرا شخم با خوابیدن با دخیر یعقوب به اسرائیل توهین کرده بود. چنین اتفاقی نباید می افتاد! (پیدایش ۳۴:۷)

پسران یعقوب به کشتار پرداختند و شهر را ویران ساختند، زیرا آنها دامن خواهرشان را لکه دار کرده بودند. (پیدایش ۳۴:۲۷)

اما یعقوب کار آنها را سرزنش می کند و با آنکه این بار دیگر چیزی نمی گوید، اما یاد آن در ذهنش سوزان به جا می ماند. سال ها و پانزده فصل بعد در توراہ یعقوب در بستر مرگ دو برادر را به خاطر رفتار آنها لعنت می کند:

شیمون و لوی برادرند؛ ابزار آنها سلاح های خشونت هستند. باشد که هیچ گاه مشورت و افتخار مرا برای جمع خود نداشته باشند. زیرا آنها در حال خشم، مردان را کشتند؛ آنها در حال غضب، گاوهای نر را قطع عضو و فلج کردند. لعنت به خشم آنها، زیرا بس بیرحمانه است. من آنها را از خاندان یعقوب جدا می کنم و در میان اسرائیل پراکنده می سازم. (پیدایش ۵-۷:۴۹)

در این مجادله حق با کدام طرف بود؟ هارامبام برادران را تبرئه می کند. او در کتاب تفسیر قانون خود به نام *میشنه توره* شرح می دهد که برقراری عدالت و حاکمیت قانون یکی از هفت قانون نوح برای کل بشریت است:

و چگونه ملل غیریهودی موظف به تشکیل محکمه های قانون هستند؟ آنها باید قضات و افسرانی را در هر منطقه مسکونی بگمارند تا بر طبق مفاد شش قانون دیگر [از هفت قانون نوح] اهالی را نسبت به این قوانین آگاهی دهند و هر سرپیچی آنها را با کشتن به ضرب شمشیر پاسخ بدهند. و بر همین اساس، مردم شخم محکوم به مرگ بودند (به دست شیمون و لوی، پسران یعقوب): زیرا شخم (شاهزاده آنها) دینا را دزدید و به او تجاوز کرد و آنها دیدند و خبردار شدند، ولی او را تحویل عدالت ندادند... (ربی مشه بن مایمون، قوانین پادشاهان ۹ و ۱۴)

به نظر ربی مشه بن مایمون یک اصل مسئولیت جمعی وجود دارد. ساکنان شخم با دانستن این که شاهزاده آنها مرتکب جنایت شده او را به دادگاه فرانخواندند و از این رو به صورت دستجمعی در بیعدالتی شریکند.

نحمانید با این نظر مخالف است. هفت اصل نوح می گوید که برقراری عدالت یک تعهد مثبت برای برقراری قوانین، دادگاه ها و قضات است، اما اصلی برای مسئولیت جمعی وجود

ندارد و انجام ندادن آن محکومیت مرگ به دنبال ندارد و نمی توانست چنین باشد، زیرا در این صورت، چرا یعقوب همان زمان و بعدها در بستر مرگ از آنها انتقاد کرد؟

جدل میان هارامبام و نحمانید هنوز حل نشده، همچنین جدل میان یعقوب و پسرانش. می دانیم که اصلی به نام مسئولیت جمعی در قانون یهود هست: *Kol Yisrael arevin zeh baze* یعنی یهودیان تک تک مسئول [ضامن] یکدیگرند. اما آیا این امر مختص یهودیت است؟ آیا این به دلیل ویژگی خاص قانون یهود است که از عهد میان خدا و بنی اسرائیل در کوه سینا برمی خیزد که طی آن افراد قوم تعهد دادند که تک به تک و به صورت جمعی، قانون تورا را رعایت و حفظ آنرا تضمین نمایند؟

هارامبام برخلاف نحمانید می گوید که مسئولیت جمعی یک قاعده در همه جوامع است. ما نه تنها در برابر رفتار خود، بلکه در برابر رفتار اطرافیان خود که در بین آنها زندگی می کنیم، مسئولیت داریم. یا شاید این نه از مفهوم جامعه، بلکه به سادگی از طبیعت تعهد به اخلاق برمی خیزد. اگر کار الف نادرست است، پس نه تنها من نباید آنرا انجام دهم، بلکه باید اگر می توانم دیگران را نیز از انجام آن بازدارم و اگر چنین نکنم، پس شریک جرم هستم. امروزه این را جرم رهگذر شاهد جنایت می نامیم. تلمود آنرا چنین بیان می کند:

راو و ربی خینا، ربی یوحانان و ربی حبیبیا چنین تدریس کردند: هرکس بتواند افراد خانواده اش را [از ارتکاب به خطا] منع کند، اما چنین نکند، به جای خانواده اش مقصر دانسته می شود. اگر بتواند همشهری های خود را [از انجام خطا] منع کند و چنین نکند، به جای همشهری هایش مقصر دانسته می شود؛ اگر کل دنیا در میان باشد، او مقصر [خطاهای] کل دنیا دانسته می شود. (شبات، ۵۴ ب)

اما به آشکاری این موضوعی پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. تفاوت هست میان یک جنایتکار و یک رهگذر شاهد جنایت. ارتکاب به جنایت یک چیز است و شاهد انجام جنایت توسط یک فرد دیگر و جلوگیری نکردن از آن، یک چیز دیگر. می توانیم شاهد رهگذر را مقصر بدانیم، اما نه به همان درجه که جنایتکار مقصر است. تلمود از فعل "دانسته می شود" استفاده می کند. یعنی از نظر اخلاقی مقصر است. او حساب پس خواهد داد. ممکن است محکمه عرش الهی در دنیای آخرت او را مجازات کند. اما نه به این معنا که می توان او را به دادگاه فراخواند و به دلیل سهل انگاری جنایی مجازات کرد.

این موضوع به گونه ای دامنه دار در مورد ارتباط مردم آلمان با هولاکاست به میان آمد. کارل یاسپرس فیلسوف، تمایزی گذاشت میان تقصیر اخلاقی عاملان جنایت و آنچه او تقصیر متافیزیکی شاهدان رهگذر نامید:

میان انسان ها یک همبستگی به عنوان ابنای بشر وجود دارد که هر یک از آنها را مسئول مشترک برای هر خطا و هر بیعدالتی در جهان می سازد، به ویژه اگر جنایتی در جلوی چشم و با اطلاع او انجام شده باشد. اگر من هر کار که می توانم انجام ندهم تا از آنها جلوگیری کنم، من نیز مقصر هستم. اگر من در هنگام قتل دیگران حاضر بودم، اما جان خود را برای جلوگیری از آن به خطر نینداختم، چنان احساس تقصیر می کنم که نه از نظر قانونی، نه سیاسی و نه اخلاقی قابل تصور نیست. این که من پس از چنین رویدادی زنده هستم، بار تقصیری نازدودنی را بر دوش من می گذارد.¹

¹ Karl Jaspers, *The Question of German Guilt*, Trans. E. B. Ashton. New York: Fordham University Press 2000, 26.

پس یک تقصیر واقعی وجود دارد، اما یاسپرس می گوید که نمی توان آنرا به یک تقصیر قانونی فروکاهید. شیمون و لوی شاید حق داشتند فکر کنند که مردان شخم مقصر بودند چون هیچ کاری علیه شاهزاده خود که دینا را دزدید و به او دست درازی کرد، انجام ندادند، اما بدان معنا نیست که آنها حق داشتند با کشتن مردان آنها خودسرانه عدالت را اجرا کنند. یعقوب حق داشت که کار آنها را تهاجمی حیوان صفتانه می دانست. در این زمینه، حکم نحمانید قانع کننده تر از حکم هارامبام است.

یکی از معتبرترین اخلاق گرایان یهودی، یهوشوع لیوویتس (۱۹۰۳-۱۹۹۴) نوشت که برای کار شیمون و لوی یک توجیه اخلاقی می تواند وجود داشته باشد: "یک فرض اخلاقی هم هست که به خودی خود عقلانی نیست و به همه این توجیه ها و ملاحظات معتبر لعنت می فرستد."² او می گوید کارهایی هست که از آنها رفع اتهام قانونی می شود، اما با این وجود لعنت شده هستند. منظور یعقوب همین بود وقتی که پسران خود را لعنت کرد.

مسئولیت جمعی یک چیز است. مجازات جمعی یک چیز دیگر.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

² Yeshayahu Leibowitz, *After Kibiyeh: Judaism, Human Values, and the Jewish State* 1953-4, <http://www.leibowitz.co.il/leibarticles.asp?id=85>.